

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مكتبة  
MKTsoft



وزارت علوم، تحقیقات و فناوری  
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پژوهشکده تاریخ  
گروه ایران اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

## نقش و جایگاه وزیر در دروه سامانی

استاد راهنما :

دکتر پروین ترکمنی آذر

استاد مشاور :

دکتر الهامه مفتاح

پژوهشگر :

داوود حقی دانالو

بهمن ماه ۱۳۹۰

## تشکر و قدردانی

اکنون که به یاری و مدد بی‌دریغ خداوند بزرگ، تحصیلات خود را در مقطع کارشناسی ارشد تاریخ (پژوهش‌های ایران اسلامی) به پایان رسانده‌ام، برخود می‌دانم که از زحمات اساتیدم در گروه تاریخ پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی به ویژه خانم دکتر پروین ترکمنی‌آذر و خانم دکتر الهامه مفتاح که راهنمایی و مشاوره اینجانب را بر کف با کفایت خود داشتند تشکر و قدردانی نمایم. بی‌تردید، انجام این رساله بدون مساعدت و حمایت‌های پر از مهر و مهربانی آن عزیزان به هیچ روی حاصل نمی‌شد. از کلیه کارکنان کتابخانه‌ی پژوهشگاه که کتب مورد نیاز را در اختیار این‌جانب گذاشتند بسیار سپاسگزارم.

پیشکش

بہ ساحت مادر مہربانم  
بہ پاس زحمات بی دریغش

## چکیده:

وزارت یکی از مهم‌ترین مناصب در تاریخ حکومت سیاسی و اداری ایران بوده است. این منصب با توجه به شرایط و موقعیت‌های مختلف تغییراتی پیدا کرده است و حکومت‌های مختلف متناسب با ویژگی‌های خود قواعدی را به این منصب افزودند. در زمانی که مسلمانان ایران را فتح کردند قوانین و ویژگی‌های اسلامی را به این منصب افزودند که باعث شد این منصب شکلی متناسب با حاکمیت اسلامی پیدا کند. در دوران سامانی نیز منصب وزارت متناسب با ویژگی‌های این حکومت تغییراتی پیدا کرد و گرایش به وزرایی که دارای جایگاه مذهبی بودند افزایش پیدا کرد و علت این امر نیز گسترش فعالیت داعیان اسماعیلی و گرایش بسیاری از درباریان سامانی به این فرقه بود و این باعث شد برای مقابله با رشد اسماعیلیه وزرایی انتخاب شوند که از گسترش این فرقه جلوگیری کنند. به طور کلی در دوره اول حکومت سامانیان وزرایی قدرتمند تمامی امور را تحت کنترل خود دارند و علاوه بر امور سیاسی در امور نظامی نیز دخالت می‌کنند ولی با ورود ترکان و قدرت گیری این عنصر جدید نقش وزرا بسیار محدود می‌شود و در اواخر حکومت سامانی وزرا قدرت تصمیم گیری چندانی ندارند.

**واژه‌های کلیدی:** وزارت، سامانی، اسماعیلیه، حکومت، ترکان

## فهرست مطالب

۳.....	<b>فصل اول: کلیات</b>
۴.....	مقدمه
۵.....	بیان مسئله یا طرح موضوع
۶.....	سوالات تحقیق
۶.....	فرضیه های تحقیق:
۶.....	پیشینه‌ی پژوهش:
۷.....	روش انجام پژوهش:
۸.....	ضرورت و اهمیت موضوع:
۸.....	چهارچوب نظری پژوهش
۱۱.....	(د) ساماندهی پژوهش:
۱۲.....	اهداف پژوهش
۱۲.....	معرفی و نقد منابع و مآخذ
۱۹.....	<b>فصل دوم: بررسی مقام وزارت</b>
۲۰.....	بررسی واژه وزیر
۲۱.....	بررسی منصب وزارت
۲۳.....	پیوند دین و سیاست و تأثیر آن بر منصب وزارت
۲۷.....	وزارت تفویض و تنفیذ
۳۱.....	بررسی منصب وزارت در متون مختلف
۴۵.....	<b>فصل سوم: نگاهی به وزرای پیش از سامانی</b>
۴۶.....	وزرای اموی
۴۷.....	وزرای عباسی
۵۳.....	جایگاه وزرای عباسی
۵۷.....	وزارت در حکومت‌های ایرانی (طاهریان و صفاریان)
۶۲.....	<b>فصل چهارم: بررسی وزرای سامانی</b>
۶۳.....	ویژگی‌های جغرافیایی منطقه بخارا
۶۶.....	نسب آل سامان
۶۹.....	امارت امرای سامانی
۷۴.....	امیر نصر و وزرای او
۷۹.....	بلعمی و منصب وزارت
۸۴.....	وزارت ابوعلی جیهانی
۸۸.....	امیر نوح و وزرای او

۸۸	وزارت ابوالفضل سلمی مروزی
۹۲	امیر عبدالملک و وزرای او
۹۳	ترکان در دربار سامانی
۹۴	وزارت ابومنصور محمدبن عَزِیز
۹۶	وزارت ابوجعفر عتبی
۱۰۰	وزارت یوسف بن اسحاق
۱۰۱	وزارت ابوعبدالله احمد جیهانی
۱۰۱	وزارت ابوالحسین عتبی
۱۰۷	ابوالحسن مزنی
۱۰۹	وزارت عبدالرحمن پارسی و عبدالله بن عزیر
۱۱۲	وزارت ابوعلی دامغانی و ابونصر بن ابی زید
۱۲۱	وزارت ابوالقاسم برمکی، ابوالحسن حمولی و ابوالفضل خَنامتی
<b>۱۲۴</b>	<b>فصل پنجم: بررسی عوامل مختلف در میزان قدرت وزرای سامانی</b>
۱۲۵	بررسی دوران طلایی وزرای سامانی
۱۲۹	فرقه اسماعیلیه و تأثیر آن در موقعیت وزرای سامانی
۱۳۵	ورود ترکان و تأثیر آن بر منصب وزارت
۱۴۲	مشکلات مالی و تأثیر آن بر منصب وزارت
۱۴۵	نتیجه‌گیری
<b>۱۴۶</b>	<b>فهرست منابع</b>

## فصل اول: کلیات



## مقدمه

وزارت یکی از اصلی‌ترین و حتی شاید بتوان گفت مهم‌ترین منصب در نظام حکومت سیاسی ایرانیان بوده است. پیشینه این منصب به دوران حکومت ایران قبل از اسلام باز می‌گردد. می‌توان اذعان داشت که این منصب در دربار خلفا و حکومت‌های اسلامی تقلید از منصب وزرگ فرمذار در دوران پیش از اسلام بوده است. البته لازم به ذکر است که این منصب در دربار خلفای عباسی با وجود وزرای همچون خاندان برمکی دوباره احیا شد و ویژگی‌های اسلامی به آن افزوده گردید و با توجه به شرایط زمانه شکلی خاص پیدا کرد.

در مورد حکومت‌های ایرانی- اسلامی تا پیش از سامانیان، از وزرای کارآمد و قدرتمند اطلاعی در دست نیست و فقط با روی کار آمدن خاندان سامانی است که از وجود این منصب اطلاعاتی به دست می‌آید، در صورتی که در دوره سامانی وزرا دارای قدرت و نفوذ بسیاری بوده‌اند. البته لازم به ذکر است که وجود افرادی چون جیهانی و بلعمی نیز در اهمیت دادن به این منصب نقش چشمگیری داشته‌اند. از این زمان وزرا دارای چنان اهمیتی می‌شوند که منصب وزارت تا مدت‌ها به با اهمیت‌ترین منصب در نظام حکومتی ایرانیان تبدیل می‌شود.

از آنجایی که در مورد این منصب در دوره سامانی تحقیقی جامع صورت نگرفته و نکات بسیاری در مورد منصب وزارت در این دوره مبهم باقی مانده، تصمیم به انتخاب این موضوع گرفته شد و از طرف دیگر در این دوره وزرای قدرتمندی چون خاندان بلعمی و جیهانی را مشاهده می‌کنیم که در دور اول حکومت سامانی عهده‌دار این منصب می‌باشند و تمامی ارکان حکومت سامانی در اختیار این وزرا می‌باشد. هرچه از عمر حکومت سامانی می‌گذرد وزرا اهمیت و اعتبار خود را از دست می‌دهند و تحت تأثیر عوامل مختلفی به حاشیه رانده می‌شوند و دیگر همچون گذشته اهمیت و اعتباری ندارند. برای روشن شدن ریشه این واژه و همچنین مشخص ساختن حدود اختیارات این منصب با توجه به متون مختلف که شامل متون سیاست‌نامه‌ی و وزارت‌نامه‌ها است به بررسی وظایف مختلفی که به این منصب نسبت داده اند، پرداخته شده است. علاوه بر این منصب وزارت قبل از دوره سامانی دارای

پیشینه‌ای می‌باشد که در این پژوهش کوشش شده تا حدودی به این منصب و حدود اختیاراتش در دوره‌های قبل از سامانی پرداخته شود. علاوه بر این در مبحثی مفصل به وزارت در دوره سامانی هم به لحاظ تاریخی و همچنین بررسی عوامل مختلف در روابط قدرت در دوره سامانی پرداخته شده است. این پژوهش کوشش دارد با برجسته نمودن علل این اتفاقات (عوامل مختلف در شدت و ضعف قدرت وزرای سامانی)، زوایای تاریک این منصب در دوره سامانی را روشن نماید.

## بیان مسئله یا طرح موضوع

بعد از مرگ پیامبر امت اسلامی نیازمند سرپرستی بود. عده ای از صحابه در ثقیفه بنی ساعده گرد آمدند و بعد از گفتگوهای بسیار ابوبکر به خلافت انتخاب شد. ابوبکر، بدین ترتیب جانشین [خلیفه] پیغمبر خدا شد و خلافت اسلامی که در دوره پیامبر نهاده شد بود استحکام بیشتری پیدا کرد. خلافت اموی، به ویژه شیوه استقرار نخستین خلیفه این سلسله، نماد تحولی بزرگ در جامعه اسلامی و در جهت بازگشت به ساختار قبیله‌ای می‌باشد.

خلافت معاویه و امویان دو ویژگی داشت که آن را از خلفای راشدین متمایز می‌کرد و به الگوی سلطنت ایرانی نزدیک می‌نمود نخست آنکه خلافت بنی امیه به نیروی غلبه نظامی و عصبیت قبیله ای پدید آمد ثانیاً بنی امیه نظامی از جانشینی را تأسیس کرد.

با ظهور خلافت عباسی تحول مهمی در ساخت و روابط قدرت در جامعه اسلامی ایجاد شد. عباسیان هرگز نتوانستند تمام خلافت اسلامی را به تصرف خود در آورند. با پیروزی عباسیان، ایرانیان نه تنها در به قدرت رسیدن عباسیان نقش عمده ای ایفا کردند بلکه عنصر ایرانی در اجرای نظم تازه ای که جانشین سازمان عربی بنی امیه شد سهم قاطعی پیدا کرد. بنی عباس سنن ایرانی را با الگوی قبیله ای و تغییرهای مذهبی ترکیب نمودند. وزارت به عنوان یک نهاد قدرتمند در دولت عباسی تأسیس شد. قواعد وزارت در دولت عباسی تدوین شد و سازمان وظایف آن با توجه به ساخت جدید قدرت در جامعه اسلامی و نیز اقتباس از تجربه قبل از اسلام ایرانیان بازسازی شد.

کریستن سن در کتاب ایران در زمان ساسانیان با مقایسه نهاد وزارت در دولت اسلامی و ساسانیان تأکید می‌کند که وزارت عباسی تقلید مستقیم از وزرک فرمذار ساسانیان بوده است. اما عباسیان در نهاد وزارت تغییرات مهمی ایجاد کردند و آن را متناسب با جامعه اسلامی پردازش نمودند. وزارت که با الگوی ایرانی در خلافت اسلامی شکل گرفته بود با تغییراتی در حکومت‌های ایرانی دوره اسلامی نیز حضور یافت.

از آغاز امارت سامانیان فردی با عنوان وزیر در دستگاه حکومتی آنان حضور داشت و محل مشورت امیر بود. وزیر، عالی‌ترین مقام دولتی بود که مهمترین دیوان یعنی «وزارت» را بر عهده داشت. از آنجا که حدود اختیارات وزیر در این دوره مشخص نبوده است و از ارتباطش با سایر دیوان‌ها، از چگونگی انتخاب وزراء، تعلق آنان به کدام یک از طبقات جامعه، جایگاه آنان در ساختار قدرت و نقش آنان در جامعه ایرانی اطلاعی در دست نمی‌باشد. این تحقیق بر آن است تا دریابد ویژگی‌های وزارتی که در

خلافت عباسی شکل گرفت و اینکه وزارت با این ویژگی ها تا چه میزان به حکومت سامانی انتقال یافت. چرا بیشتر وزرای این دوره از میان فقها انتخاب می‌شدند، عملکرد وزرا تحت تأثیر چه عواملی بوده است و مخالفان آنان را چه کسانی یا گروه‌هایی تشکیل می‌دادند.

### سوالات تحقیق

سوال اول: وزرای سامانی متعلق به کدام طبقه اجتماعی بوده اند و چرا؟  
سوال دوم: حدود اختیارات وزیر در امور دیوانی، درباری و نظامی تا چه اندازه ای بوده است؟

### فرضیه های تحقیق:

فرضیه اول: اکثر وزرای این دوره از میان فقها انتخاب شده اند. در جواب سوال اول که سوال اصلی این پژوهش می باشد باید گفت که در دوران بعد از اسلام تا زمانی که خلیفه قدرت را در دست دارد و جمع بین شرع و عرف می کند نیازی به وزیری که از جایگاه فقهی برخوردار باشد نیست و وزرا تا این زمان تخصصشان کشورداری و امور سیاسی می باشد. خلیفه حاکم خدا بر روی زمین می باشد و از جایگاه شرعی برخوردار است. و اگر به خلفا بنگرید متوجه می شوید که همه درک مذهبی دارند. ولی زمانی که سلطان/ حاکم با قدرت و استیلاي خودش به قدرت می رسد، چون جامعه یک جامعه ای شرعی است، از این پس وزیر را بیشتر از میان علمای شرع انتخاب می کنند تا بتوانند در نبود خلیفه به نیازهای شرعی پاسخ دهند. یعنی این بار بیشترین نیاز، به وزرای است که دانشمندان فقه هم باشند. در حالی که پیش از این خلیفه خود در امور شرعی نظر می داد.  
فرضیه دوم: می توان گفت با توجه به شخصیت وزرا و توانایی آنها در انجام امور، اختیارات آنها نیز کم و زیاد می شد.

### پیشینه ی پژوهش:

در میان پژوهش های جدید تألیفات بسیار کمی به این دوره اختصاص داده شده است. مهم ترین این تألیفات عبارتند از کتاب محمد رضا ناجی به نام «فرهنگ و تمدن اسلامی در قلمرو سامانی» و کتاب جواد هروی به نام «تاریخ سامانیان عصر طلایی ایران بعد از اسلام» و کتاب «محیط زندگی و احوال و اشعار رودکی» تألیف سعید نفیسی و کتاب دیگری که مجموعه ای از مقالات، با نام «نامه آل سامان» است. به جز این چند پژوهش منبع دیگری که اختصاصاً به این دوره پرداخته شده باشد وجود ندارد.

کتاب محمدرضا ناجی در فصلی که به دیوان ها پرداخته، بخشی را نیز به دیوان وزارت اختصاص داده که در آن قسمت اسامی تمام وزرای سامانی را ذکر کرده و فعالیت های آنها را مشخص کرده است. نسبت به کتاب جواد هروی مطالبش منسجم تر و کامل تر است ولی فقط بیان داده های تاریخی است و خالی از هرگونه تحلیل و بررسی می باشد. اما جواد هروی به وزرای عصر طلایی

سامانی پرداخته و در مورد مابقی وزرا مطلبی را بیان نکرده است و تنها نامی از آنها برده است و فعالیت های آنها را مشخص نکرده است. اما در قسمت اول مطالبی تحلیلی بیان داشته است. ایراد دیگری که به این کتاب وارد است مشخص نبودن آغاز و پایان بعضی رخدادهای که در مورد این وزرا بیان کرده است و این امر باعث شده انسجام موضوع از دست برود.

سعید نفیسی نیز در کتاب خود بنابر حمایت وزرا از اهالی فرهنگ و ادب مطالبی را در مورد وزرا بیان کرده است که در منابع دیگر مطرح نشده است.

این کتابها مستقیماً به دوره سامانی پرداخته اند، اما باید گفت در کتابهای دیگر نیز مطالبی به صورت پراکنده درباره این دوره و منصب وزارت بیان شده است، که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. از جمله کتاب های تاریخ ایران کمبریج و کتاب داوود فیرحی با نام «قدرت، دانش و مشروعیت» در اسلام و کتاب خواجه نظام الملک جواد طباطبایی و ترکستان نامه بارتولد را باید نام برد. در انتها نیز جا دارد از تعلیقات بسیار عالمانه ای مدرس رضوی در انتهای کتاب تاریخ بخارا که تمامی وزرای سامانی را ذکر کرده و از تعدادی منبع خاص اطلاعاتی درباره آنها جمع آوری کرده و همچنین از یادداشت های قزوینی که درباره بعضی از وزرای سامانی مطالبی را جمع آوری کرده و نکات بسیار ارزنده ای را استنباط نموده، نام برد.

از میان مقالات نیز مقاله «وزرای آل سامان» سعید نفیسی و مقاله «وزارت و وزرا سامانیان» سید کاظم روحانی و همچنین مقاله «وزرای نامی سلسله سامانی» نوشته عزیز الله بیات مطالبی بسیار مهم و ارزنده در مورد وزرای این دوره بیان داشته اند. اما اهمیت پژوهش حاضر نسبت به کتابها و مقالات ذکر شده این است که در این پژوهش علاوه بر بیان داده های تاریخی در بخش پایانی به برجسته سازی عوامل تأثیر گذار در میزان قدرت وزرا پرداخته شده است. همچنین این پژوهش تمامی متونی که مطالبی درباره وزرای سامانی داشته و در دسترس بوده را مورد بررسی قرار داده و مطالبی که در راستای پژوهش دارای اهمیت بوده را بیان کرده است.

## روش انجام پژوهش:

روش انجام این پژوهش در ابتدا توصیفی می باشد که به جمع آوری داده از متون تاریخی درمورد وزرای دوره سامانی پرداخته شد. و در بخش هایی از این پژوهش نیز بنابر مطالب متفاوتی که در متون مختلف درمورد موضوع بیان شده بود، به شکلی تطبیقی به بررسی مطالب پرداخته شد. روشی که در تحلیل این اطلاعات استفاده می شود (برجسته سازی/Highlight) می باشد. که در این روش با توجه به اهمیت یک رویداد/ واقعه در افزایش یا کاهش نقش و اهمیت وزرا، آن حادثه برجسته می شود. لازم به ذکر است که منظور برجسته سازی یک یا چند رویداد نیست بلکه تمامی عوامل و رویدادها با توجه به میزان اهمیتی که دارند برجسته می شوند. به این شکل که وقایع با اهمیت تر، بیشتر برجسته می شوند و رویدادهای کم اهمیت تر، کمتر مورد توجه قرار خواهند گرفت.

## ضرورت و اهمیت موضوع:

در مورد حکومت های ایرانی و مستقلاً سامانیان توسط محققین ایرانی و مستشرقین تحقیقاتی صورت گرفته است اما این تحقیقات حکومت سامانی را به طور کلی مورد بررسی قرار داده و همه جنبه های آن را در کنار هم بررسی کرده اند و هیچ نوشته ای که منصب وزارت را به طور مستقل [در دوره سامانی] بررسی کند ملاحظه نشده است و از آنجایی که وزیر در این دوره از ارکان اصلی قدرت می باشد و دارای قدرت زیادی است نیاز است رساله ای مستقل به بررسی وزیر در دوره سامانی و ارتباط دیوان وزارت با سایر دیوان ها و نشان دادن جایگاه وزیر در ساختار قدرت حکومت سامانی پرداخته شود. مسئله دیگر علاقه دانشجو به روابط قدرت در اسلام خصوصاً حکومت سامانیان باعث شده که به این موضوع پرداخته شود.

## چهارچوب نظری پژوهش

در ابتدا قصد بر آن بود تا با بیان نظریه ای و مبنا قرار دادن آن نظریه به تحلیل و بررسی جایگاه این وزراء پرداخته شود، ولی نظریه ای که توسط ایرانی ها بیان شده باشد تا بتوان با آن نظریه به بررسی وزراء این دوره پرداخت یافت نشد. علت تمرکز بر انتخاب یک نظریه ایرانی به این علت است که درک این موضوع برای یک محقق ایرانی از اهمیت بیشتری برخوردار است و بهتر می تواند جنبه های مختلف موضوع را درک کند. ولی تمامی نظراتی که محقق های ایرانی برای بررسی مسایل استفاده می کنند از روش شناسی غربی ها گرفته شده و از طرف دیگر این نظریه ها دارای جهت گیری می باشند. از طرف دیگر قصد بر این بود از نظریات غربی استفاده شود بعد از تفکر در این موضوع محقق به این نتیجه رسید که اولاً نظریاتی که توسط غربی ها ارائه شده با توجه به ساختار جامعه و شرایط زمانه و دیگر ویژگی های خود آن جوامع می باشد و به گفته فوکو «نظریه تنها وقتی وجود دارد و قابل فهم است که در مقابل و در میان کردارهای فرهنگی خاص قرار داده شود»<sup>۱</sup>.

ویژگی هایی نظریه های غربی به هیچ وجه با شرایط اجتماعی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایرانی هماهنگ نبودند. اما شاید این نظریات می توانستند تا حدودی با بررسی های این تحقیق هماهنگ باشد و محقق را در دست یابی به چهارچوبی نظری کمک کند ولی در بسیاری از موارد دیگر با شرایط و ویژگی هایی تحقیقی محقق هماهنگ نبوده و این امر باعث می شود که اگر خواسته شود از این نظریات استفاده شود باید بسیاری از ویژگی ها و شرایط و حوادث نادیده گرفته شود تا بشود از یک نظریه استفاده گردد و این امر به دور از یک پژوهش سالم است و باعث می شود پژوهش رنگ و بویی خاص بگیرد. از طرف دیگر این اقدام برای یک مورخ شایسته نیست که برای دست یابی به هدفی، بسیاری از وقایع و رخداد های تاریخی را نادیده بگیرد و از کنار آنها بگذرد. در طول بررسی فصول

---

۱ - دریفوس، دریفوس و پل رابینو، ۱۳۸۷، میشل فوکو فراسوی ساخت گرایی و هرمنوتیک، ترجمه حسین بشیریه، انتشارات نی، چاپ ششم، تهران، ص ۲۱۶

مختلف، این نتیجه به دست آمد که در این دوره اتفاقاتی روی داده که در موقعیت و شرایط این وزراء بسیار تأثیر گذار بوده است مثل گسترش اسماعیلیه و ورود ترکان و همچنین وجود وزرای قدرتمندی مثل ابوعبدالله جیهانی و ابوالفضل بلعمی لذا به این نتیجه منتج گردید که اگر خواسته شود تحقیقی ارایه گردد که به دور از هرگونه جهت گیری و ارزش گذاری باشد باید به تمامی عوامل پرداخته شود و کوشش شد تا با (برجسته سازی/Highlight) این عوامل و تأثیر آنها در موقعیت این وزراء بررسی ادامه یابد تا شاید اینگونه، تمامی این عوامل در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد و به دور از هرگونه جهت گیری باشد. همچنین شاید در انتهای فصل بتوان به یک چهارچوبی برای میزان تأثیر این عوامل دست یافت. در ابتدا هدف محقق این است تا تمامی این عوامل را مورد بررسی قرار دهد و برجسته سازی کند و در انتها اگر به چهارچوبی رسید که بتوان آن را در یک نظریه سروسامان داد این کار صورت خواهد گرفت. «مورخ جز بر پایه این فرضیه نمی تواند کار کند که هر آنچه رخ داده است از قابلیت تبیین عقلانی برخوردار است و شاهد یا مدرک محصول عملی است که قابل کشف به کمک عقل است.»<sup>۱</sup> وظیفه مورخ است که تمامی رخدادها و عوامل موثر در یک رویداد را مورد بررسی قرار دهد و کنار گذاشتن یک سری از عوامل به خاطر یک نظریه به دور از اصول مورخی است. به همین دلیل اصطلاح برجسته سازی به کار برده شد (لازم به ذکر است این اصطلاح و نحوه کاربردش ساخته خود پژوهشگر است) چرا که این اصطلاح خالی از هرگونه مسایل ارزشی<sup>۲</sup> و فقط با توجه به میزان تأثیر گذاری عوامل، آنها را برجسته سازی می کند.

در اینجا نکته ای قابل ذکر است که وقتی از قدرت و روابط قدرت بحث می شود منظور قدرتی است که در اندیشه فوکو بیان می شود. البته لازم به ذکر است که قدرت در اندیشه فوکو دارای مفهومی بسیار گسترده است که این پژوهش فقط جنبه ای خاص از این قدرت را مدنظر دارد. مفهومی از قدرت که در این مبحث مورد استفاده قرار می گیرد بدین معناست که «قدرت و دانش در جهان مدرن، متکی به هیچ منبع متعالی خدایی یا انسانی نیست.»<sup>۳</sup> در تمامی آثار فوکو و همچنین تمامی دوره های مورد بررسی فوکو این تلقی خاص از قدرت وجود دارد.

این پژوهش از این تعریف فوکو از قدرت برای بررسی روابط قدرت در دربار سامانی و ارتباط وزراء با سایر عناصر قدرت استفاده می کند و مبنا را بر این تفکر قرار داده که قدرت هیچ منبع ماورایی ندارد و اگر وزراء به این منصب دست پیدا کرده اند تنها این تفکر، حاکم نیست که این منصب از طرف خدا به آنها داده شده تا آنها اوضاع جامعه و دربار سامانی را سامان دهند، بلکه باید جنبه های دیگر این مسئله را مدنظر داشت که این دست یابی به قدرت برای ارضای خواست قدرت طلبی این وزراء نیز بوده است و یا جنبه های دیگری که باعث می شود این افراد به این منصب تمایل پیدا کنند مثل

---

۱- نوذری، حسینعلی، ۱۳۸۷، *فلسفه تاریخ*، چاپ دوم، تهران، انتشارات طرح نو، ص ۱۰۰

۲ - به لحاظ سیاسی و یا مذهبی و ...

۳ - برنز، اریک، ۱۳۸۲، *میشل فوکو*، ترجمه بابک احمدی، چاپ سوم، تهران، انتشارات ماهی، ص ۱۰۴

تمکن مالی و یا در اختیار داشتن نیروهای نظامی و یا تسلط بر سایر مناصب قدرت در دربار و حکومت سامانی، چرا که وزیر بالاترین صاحب منصب در حکومت های ایرانی بعد از امیر یا سلطان بوده است. تمامی این عوامل در انتخاب این منصب نقش داشته اند لذا با اینکه بسیاری از وزراء به این امر آگاهی داشته اند که ممکن است بر اثر یک رخداد تمامی مال و قدرت و حتی جانشان را نیز از دست بدهند با این حال این ریسک را قبول کرده خواهان این منصب بوده اند.

«قدرت در نوشته های فوکو همچون مفهومی عمل می کند که هدفش فهم چگونگی عملکرد و کردارهای اجتماعی است، بدون آنکه به درون نظریه های سنتی درباره تاریخ فروغلتند»<sup>۱</sup>. محقق فقط به این جنبه از تفکر فوکو در مورد قدرت توجه دارد و از آن استفاده می کند. خود فوکو مبحث قدرت را در ارتباط با دانش مورد بررسی قرار می دهد و اینکه چگونه دانش به عنوان ابزاری در دست قدرت تبدیل می شود و در راستای اهداف قدرت عمل می کند. همچنین نقش قدرت در شکل دهی به مفاهیم مجازات و جرم و غیره در دوران مدرن را بررسی می کند

«برای ظهور شکل جدید مجازات، مجموعه ای پیچیده از ایدئولوژی ها، نظام های سخن، ضرورت های سیاسی و اقتصادی، شکل معماری و اعمال پزشکی و حقوقی باید پدید می آمد و این در پایان سده ای هجدهم و آغاز سده نوزدهم رخ داد. آنچه این اعمال فرهنگی به نحوی موثر ساختند، شکل های مدرن سوبژکتیو به آن صورتی بود که ما امروز می شناسیم و فوکو از ما می خواهد ببینیم که از طریق این ساخت هاست که قدرت در جامعه ای مدرن عمدتاً اعمال می شود»<sup>۲</sup>.

فوکو از قدرت و نقش آن در تعبیر این مسایل استفاده می کند که برای مقاصد تحلیلی این تحقیق فاقد اهمیت است.

مسئله بعدی این مطلب است که شاید بعضی از این عوامل از اهمیت بیشتری برخوردار باشند و تأثیر بیشتری بر منصب وزارت گذاشته باشند ولی وظیفه مورخ بررسی تمامی این عوامل است و نمی تواند به دلیل اهمیت چند عامل و یا وابستگی به یک اندیشه بقیه عوامل را کنار بگذارد چون این عوامل در کنار یکدیگر می توانند به یک نتیجه (حال چه نتیجه مثبت باشد چه منفی) منتهی شود. به همین دلیل است که مورخ باید تمامی عوامل را مورد بررسی قرار دهد. اگر این پژوهش لفظ «برجسته سازی» را به کار می برد منظور برجسته سازی یک یا چند عامل نیست بلکه برجسته سازی تمامی عوامل، بسته به میزان تأثیر گزاری آنهاست که برجسته خواهند شد و برحسب اهمیت هر عامل وظیفه مورخ است که به آن عامل اهمیت بیشتری دهد و بیشتر مورد پردازش قرار گیرد.

از طرف دیگر این روش دانش تاریخ را به واقع نگری نزدیک می کند چرا که باعث می شود مورخان با هر نگاهی که می خواهند، به سراغ یک رویداد بروند ولی تمامی عوامل را در حادثه دخیل بدانند نه یک عامل خاص را، ولی در نمودار برجسته سازی عواملی را که به نظر آنها از اهمیت

۱- دریفوس و رابینو، ۱۳۸۷، ص ۳۴۰

۲- برنز، ۱۳۸۱، ص ۱۰۹

بیشتری برخوردار است برجسته تر نشان دهند و این مطلب دانش تاریخ را به واقع بینی نزدیک می کند.

از طرف دیگر این روش قسمت بسیاری از اختلافاتی را که بین مورخان نسبت به رویکردهای مختلف به وقایع، از بین خواهد برد چرا که زمانی که مورخان با دیدگاه های مختلف به سراغ یک حادثه می روند تنها عامل مدنظر خود را در بررسی حادثه مهم می دانند مثلاً مورخانی که دید مارکسیستی دارند تنها عامل اقتصادی را در بررسی یک حادثه مدنظر قرار می دهند و مهم می دانند، یا مورخی با دید مذهبی تنها عوامل مذهبی و دینی را در یک رخداد برجسته می کند و این نوع نگاه به یک حادثه باعث می شود مورخان با دیدگاههایی مختلف هیچ وقت نتوانند در بررسی یک حادثه به سر یک میز بنشینند چرا که این افراد گمانشان این است که هیچ نقطه مشترکی ندارند، که باعث شود آنها با یکدیگر بحثی درباره یک رویداد صورت دهند ولی در روش برجسته سازی مورخان به تأثیر گذاری تمامی عوامل معترفند ولی هر مورخ بنا بر اندیشه ای که دارد یک دسته از عوامل را در بررسی یک حادثه مهم می داند و برجسته می کند و می توان گفت این روش، دانش تاریخ را به دانشی چالشی تر تبدیل خواهد کرد و این موضوع خود به مشخص تر شدن مرزهای دانش تاریخ و چهارچوب بندی آن کمک بیشتری خواهد کرد.

اگر مورخی غیر از این انجام دهد بی شک می توان گفت که پژوهش او دارای جهت گیری خاصی خواهد شد و در این صورت پژوهش اش خصلت بی طرفی را که وظیفه هر دانشی می باشد از دست خواهد داد و این به دور از اصول تحقیق می باشد.

#### **(د) ساماندهی پژوهش:**

پژوهش حاضر در پنج فصل تدوین شده است.

فصل اول: در این فصل که به نام کلیات دسته بندی شده، به بیان مطالبی درباره روش انجام پژوهش پرداخته شده و بعد از آن به بررسی مهم ترین متون که نسبت به موضوع مورد بحث در درجه اول اهمیت قرار دارند، پرداخته شده است.

فصل دوم: در این فصل به بررسی واژه وزارت و معانی مختلف این واژه پرداخته شده است. همچنین بررسی مفهوم این واژه در تعدادی متون سیاست نامه ای و تغییر وظایف این منصب در این متون، به لحاظ تاریخی مدنظر قرار گرفته است.

فصل سوم: در این فصل که به پیشینه ای این منصب اختصاص دارد به بررسی منصب وزارت در ایران باستان و همچنین دوران خلافت عباسی و اموی و حکومت های طاهری و صفاری پرداخته شده است. در این فصل نیز بیشتر تغییرات این منصب مد نظر بوده است.

فصل چهارم: در این فصل به بررسی تاریخی وزرای سامانی و مشخص کردن جنبه های کارکردی مختلف این منصب (سیاسی، اقتصادی، فرهنگی) در متون مختلف پرداخته شده است. همچنین تک تک این وزرا مورد بررسی قرار گرفته و نقش و اهمیت هر یک مشخص شده است.



فصل پنجم: در فصل پنجم نیز به تحلیل و برجسته سازی نقش و عملکرد وزرا پرداخته شده است و با توجه به اهمیت رویداد های مختلف در افزایش و کاهش قدرت وزرا (برجسته سازی/Highlight) صورت گرفته است.

## اهداف پژوهش

هدف این پژوهش نشان دادن جنبه های مختلف کارکردی منصب وزارت در دوره سامانی است.

## معرفی و نقد منابع و مآخذ

مهمترین و در عین حال قابل اعتماد ترین منابع برای انجام این پژوهش منابعی هستند که نزدیک به زمان مورد بررسی تألیف شده اند، که بیشترین اطلاعات برای انجام این پژوهش از همین منابع به دست آمده است.

این منابع را به چند دسته می توان تقسیم بندی کرد الف) تواریخ عمومی ب) تواریخ سلسله ای ج) تواریخ محلی د) سیرالملوک ها ه) وزارت نامه ها و) متون جغرافیایی  
در ادامه بنابر همین تقسیم بندی، مهم ترین کتاب هایی که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته معرفی می گردد.

### الف) تواریخ عمومی

در میان تواریخ عمومی مهم ترین منبع مورد استفاده کتاب زین اخبار<sup>۱</sup> است که به تبع نام نویسنده آن به کتاب تاریخ گردیزی نیز شهرت یافته است. در مورد مولف آن باید گفت که نام کامل او ابوسعید عبدالحی بن الضحاک بن محمود گردیزی غزنوی است. زادگاه او گردیز، محلی نزدیک غزنه می باشد. این کتاب در دوره غزنوی و در دوران حکومت ابومنصور عبدالرشید بن یمن الدوله تألیف شده است و جزو نزدیک ترین متون به دوره سامانی می باشد، به همین دلیل مطالبش از اهمیت بسیاری برخوردار است و نکته مهم تر این است که بیشترین مطلب در مورد وزرای سامانی در این کتاب یافت می شود. از آنجایی که بخش هایی از کتاب از بین رفته درباره چگونگی نوشتن اثر و علت آن اطلاعی به دست داده نمی شود. مولف این کتاب فصلی از کتاب خود را به ملوک آل سامان اختصاص داده است و در همین قسمت به بررسی تمام امیران سامانی پرداخته و در ذیل شرح حال هر امیر سامانی، شرحی از وزیرش نیز به دست داده است. می توان گفت عمده اطلاعات پژوهشگران، در مورد وزرای سامانی از این منبع به دست آمده است. در مورد ابوعبدالله جیهانی و ابوالفضل بلعمی و فعالیت های نظامی این وزرا اطلاعات بسیاری بدست می دهد. اما ایرادی را که می توان به این کتاب گرفت و این ایراد تقریباً به تمامی متون دسته اول مورد استفاده در تحقیق حاضر وارد است این است که این متون

---

۱ - گردیزی، ابوسعید، ۱۳۸۴، زین الاخبار، به اهتمام رحیم رضازاده ملک، چ اول، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

فقط به فعالیت های نظامی وزرا پرداخته و به دیگر جنبه های این منصب و صاحبان این منصب اشاره ای نکرده اند و از وظایف این وزرا در امور فرهنگی و اقتصادی حرفی به میان نیاورده اند. ایراد دیگر این کتاب این است که به وزرای اواخر حکومت سامانی پرداخته است و حتی در بعضی از موارد نام وزرا را نیز ذکر نکرده است. از این کتاب در فصل چهارم پژوهش که به بررسی تاریخی وزرای سامانی پرداخته، استفاده شده است.

منبع عمومی دیگر کتاب ابن اثیر، الکامل فی التاریخ<sup>۱</sup> می باشد. این کتاب از متون بسیار برجسته در تاریخ ایران است. نام کامل نویسنده کتاب عزالدین ابوالحسن علی ابن ابوالکرم محمدبن محمد بن عبدالکریم بن عبدالواحد شیبانی جزری می باشد که در سال ۵۵۵ هجری متولد شد. تحصیلات خود را در موصل و شام و بغداد به پایان رساند. بعد از مدتی شروع به نوشتن کتاب خود می کند که شامل وقایع از آغاز خلقت تا سال ۶۲۸ هجری قمری می باشد. این کتاب از تاریخ قدیم ایران نیز مطالبی بیان می کند و بعد از ورود به وقایع تاریخ اسلام سال به سال وقایع را بیان می کند که حوادث سال های ۲۰۴ تا ۳۹۵ که سال های حکومت سلسله سامانی می باشد برای این پژوهش اهمیت پیدا می کند. از آنجایی که مورخ در زمان استیلای مغول می زیسته اطلاعات او درباره این دوره از تاریخ ایران اهمیت بسزایی دارد. محقق فقط تا اندازه ای که از این متن در پژوهش استفاده شده به بیان نقاط ضعف و قوت آن می پردازد. بسیاری از مطالبی که در این کتاب آمده در متون دیگر نیز بیان شده، تنها اهمیتی که این کتاب نسبت به متون دیگر دارد این است که در این کتاب روایاتی از اختلافات حاکمان سامانی و وزرای ایشان با فرماندهان نظامی بیان شده که در متون دیگر کمتر به آنها پرداخته شده است. در این کتاب می توان قدرت گرفتن فرماندهان نظامی ترک را در برابر وزرا و محدود شدن قدرت وزرا توسط این فرماندهان را به خوبی تشخیص داد که در متون دیگر کمتر مورد توجه قرار گرفته است. از این کتاب نیز در فصل چهارم پژوهش استفاده شده است.

عمده اطلاعات از متون تواریخ عمومی از این دو منبع به دست می آید اما علاوه بر این ها کتاب های طبقات ناصری و روضه الصفا، حبیب السیر، تاریخ گزیده و مجمل التواریخ نیز به صورت پراکنده اطلاعاتی به دست می دهند.

### ب) تواریخ سلسله ای

منابع دیگر مورد استفاده در پژوهش حاضر تواریخ سلسله ای می باشند که مهم ترین آنها ترجمه تاریخ یمینی<sup>۲</sup> است. نام کامل مولف ابونصر محمد بن عبدالجبار عتبی، که از اهالی ری بوده و در سال ۴۲۷ هجری فوت کرده است. نویسنده کتاب در جوانی به خراسان می رود و مدتی در دستگاه ابوعلی سیمجور و

---

۱ - جزری، ابن اثیر، ۱۳۷۱، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، ۲۳ مجلد، چ اول، تهران، موسسه مطبوعات علمی

۲ - عتبی، ابوالنصر، ۱۳۴۵، ترجمه تاریخ یمینی، ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی، به اهتمام جعفر شعار، چ اول، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب

ناصرالدین سبکتگین به سر می‌برد و مدتی هم نیابت شمس المعالی قابوس را در خراسان برعهده داشته و در کتاب خود شرح سلطنت سبکتگین و سلطان محمود را تا سال ۴۱۲ آورده و به مناسبت لقب محمود که یمین‌الدوله بوده کتاب خود را تاریخ یمینی نام نهاده است. از آنجا که انشای عربی عتبی فنی و پیچیده بوده و نیاز به تفسیر و شرح داشته، چهار شرح بر این کتاب صورت گرفته که یکی از آنها ترجمه ابوالشرف ناصح بن ظفر جرفادقانی می‌باشد. جرفادقانی از دبیران بنام دوره‌ای سلجوقی بوده که در نظم و نثر دو زبان عربی و فارسی ماهر بوده است. جرفادقانی مدتی نیز در دستگاه اتابکان آذربایجان می‌زیسته و در سال ۶۰۳ به تشویق ابوالقاسم علی بن الحسین بن محمد بن ابی حنیفه وزیر جمال‌الدین آی ابه الغ باریک کتاب تاریخ یمینی را از عربی به فارسی ترجمه می‌کند. از ویژگی‌های برجسته این کتاب مطالبی است که در مورد وزرای اواخر سلسله سامانی ذکر کرده است که در متون دیگر یافت نمی‌شود. همچنین مطالبی در مورد تهاجم به بخارا و نقش وزرا در این درگیری‌ها و اختلافات سبکتگین و پسرش محمود که در حال قدرت گرفتن بودند با وزرای سامانی و از همه مهم‌تر خاندان عتبی و وزرای این خاندان در دربار سامانی اطلاعاتی بسیار ارزنده وجود دارد. منبع دیگر تاریخ بیهقی<sup>۱</sup> است که نویسنده آن ابوالفضل محمد بن حسین بیهقی دبیر می‌باشد که در سال ۳۸۵ در ده حارث آباد بیهق متولد شده و بعد از تحصیل علم به سمت دبیری وارد دیوان رسالت محمود غزنوی شد و شاگرد دبیر زبردست بونصرمشکان بوده است. پس از مرگ بونصر در اواخر سلطنت مسعود، بوسهل زوزنی رئیس دیوان شد. موضوع اصلی کتاب تاریخ سلطنت سلطان مسعود می‌باشد ولی مطالبی نیز درباره تاریخ سامانیان و صفاریان و سلجوقیان بیان می‌کند. که این کتاب نیز اطلاعاتی چند در مورد این وزرا بیان می‌کند. از این کتب نیز در فصل چهارم این پژوهش استفاده شده است.

### ج) تواریخ محلی

متون دیگری که در این پژوهش از آنها استفاده شده به تواریخ محلی شهرت دارند. این متون با توجه به اهمیتی که منطقه مورد نظر برای نویسنده داشته به بررسی ویژگی‌های جغرافیایی و بررسی شخصیت‌های برجسته منطقه مورد نظر پرداخته است. مهم‌ترین منبع محلی مورد استفاده در این پژوهش تاریخ بخارا<sup>۲</sup> می‌باشد. نام نویسنده این کتاب ابوبکر محمد بن جعفر النرشخی می‌باشد. اصل کتاب تاریخ بخارا به عربی بوده، نرشخی که معاصر شاهان سامانی بوده آن را به امیر نوح تقدیم کرده است. مولف کتاب تا پس از مرگ ابومحمد نوح بن نصر سامانی در قید حیات بوده است. تقریباً دو قرن بعد از تألیف تاریخ بخارا یعنی در سال ۵۲۲ ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبایوی آن را به فارسی ترجمه می‌کند. البته مترجم قسمت‌هایی از کتاب را که ملالت آور و بی‌اصل می‌پنداشته حذف کرده و

---

۱ - بیهقی، ابوالفضل، ۱۳۲۴، تاریخ بیهقی، به اهتمام قاسم غنی و علی اکبر فیاض، چ اول، تهران، چاپخانه بانک ملی

۲ - النرشخی، ابوبکر، ۱۳۸۷، تاریخ بخارا، ترجمه ابونصر احمد بن محمد بن نصر القبایوی، تصحیح و تحشیه مدرس رضوی، چ سوم، تهران، توس

مطالبی از کتاب خزائن العلوم و کتاب‌های تاریخی دیگر بر آن افزوده است. باز در سال ۵۷۴ محمدبن زفر بن عمر ترجمه قباوی را تلخیص کرده و آن را به نام صدر جهان برهان‌الدین عبدالعزیز بن عمر بن عبدالعزیز بن مازہ بخاری حنفی تقدیم نموده است. عبدالعزیز از بزرگان و محتشمان بخارا بوده است. این متن از مهم‌ترین منابع در جهت شناسایی امیران و ویژگی حکومت سامانی می‌باشد. مطالبی دسته اول در مورد وزرای سامانی بیان داشته است ولی ضعف عمده این منبع این است که با اینکه مطالب بسیار مهمی در مورد وزرا دوره سامانی بیان داشته اما این مطالب بسیار کم است. از این کتاب نیز در فصل چهارم این پژوهش استفاده شده است.

منبع محلی دیگر کتاب تاریخ سیستان<sup>۱</sup> که نوشته مولفی ناشناس است. همانطور که از نامش پیداست به تاریخ منطقه سیستان پرداخته است و زمان تألیف کتاب نیز بین سال‌های ۴۴۵ و ۷۲۵ می‌باشد. از ویژگی‌های مهم این منبع آوردن حکایاتی می‌باشد که در منابع دیگر از آنها خبری داده نشده است. منبع محلی دیگر تاریخ طبرستان<sup>۲</sup> می‌باشد که این کتاب تألیف بهالدین محمدبن حسن بن اسفندیار کاتب می‌باشد که در حدود سال ۶۱۳ به نوشتن کتاب پرداخته است. کتاب مطالبی درباره ابتدای بنیاد طبرستان و حکومت‌های آل وشمگیر و آل بویه و همچنین آل باوند دارد که در این میان روایتی از فرستادن سفیری از سوی حکومت سامانی به دربار خلافت دارد که از آن روایت می‌توان اطلاعاتی از نوع رفتار وزرا و هدایای فرستاده شده توسط وزرا برای خلیفه و همچنین روابط خلیفه با حکومت سامانی پی برد. در این دو کتاب از بعضی وزرای سامانی نام برده شده است. ویژگی این دو متن آن است که می‌توان بعضی از وظایف وزرای سامانی را از آنها تشخیص داد. از این کتب نیز در فصل چهارم این پژوهش استفاده شده است.

#### د) سیرالملوک‌ها

کتاب‌های دیگری که در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته اند، متونی می‌باشند که برای راهنمایی پادشاهان و سلاطین تألیف شده اند که در ادبیات پژوهشی ایران با نام سیرالملوک مشخص می‌شوند. این متون از دو جنبه برای پژوهش حاضر دارای اهمیت هستند. اولین جنبه، این متون مباحثی را به وزارت و اهمیت منصب وزارت برای سلاطین اختصاص داده اند که پژوهشگر می‌تواند تغییر و تحولات منصب وزارت و وظایف وزرا را با توجه به دوره‌های مختلف مشاهده کند. اهمیت دوم سیرالملوک‌ها، این متون وقتی به بحث پیرامون منصب وزارت می‌پردازند برای توجیه خواننده نمونه‌های بسیاری می‌آورند و از آنجایی که وزرای سامانی از وزرای خوش نام تاریخ ایران بعد از اسلام می‌باشند بسیاری از این نمونه‌ها به وزرای این دوره اختصاص داده شده است. کتاب سیاست نامه<sup>۳</sup> خواجه نظام و نصیحه الملوک امام محمد

۱ - مولف نامعلوم، ۱۳۸۷، تاریخ سیستان، تصحیح محمدتقی بهار، چ دوم، تهران، معین

۲ - اسفندیار کاتب، بهالدین، ۱۳۶۶، تاریخ طبرستان، تصحیح عباس اقبال آشتیانی، چ دوم، تهران، کلاله

خاور

۳ - نظام الملک، طوسی، ۱۳۷۸، سیرالملوک، به اهتمام هیوبرت دارک، چ چهارم، تهران، علمی و فرهنگی

غزالی<sup>۱</sup> از کتاب های مورد استفاده در این نوشته می باشند. کتاب سیاست نامه نوشته ابوعلی حسن طوسی می باشد که به خواجه نظام الملک شهرت دارد. نظام الملک بیش از چهل سال وزارت آلپ ارسلان و ملک شاه سلجوقی را برعهده داشت. خواجه در سال ۴۰۸ در نوغان طوس به دنیا آمد و در حدود سال ۴۵۵ به دربار آلپ ارسلان پیوست. به گفته خود خواجه در سال ۴۷۹ ملک شاه از او و برخی درباریان دیگر خواسته که «تا هر یک در معنی ملک اندیشه» کنند و خواجه نیز سیاست نامه را به همین دلیل به رشته تحریر درآورده است. در مورد کتاب خواجه باید گفت که مباحث مربوط به اسماعیلیه و درگیری حکومت سامانی با این فرقه و گسترش این فرقه در دربار سامانی، در آن بسیار مطرح شده است و می توان گفت یکی از منابع عمده ما در مورد این واقعه می باشد. از این منبع در فصل دوم که به بررسی منصب وزارت پرداخته، استفاده شده است. کتاب دیگر که در همین فصل دوم از آن استفاده شده کتاب نصیحه الملوک می باشد که مولف آن محمدبن محمدبن محمد غزالی طوسی می باشد. (البته لازم به تذکر است که این کتاب منسوب به غزالی است) غزالی یکی از بزرگترین عالمان دنیای اسلام است که در فقه، حدیث، کلام، فلسفه و عرفان دارای تبحر بوده است. غزالی در سال ۴۵۰ هجری در اواخر سلطنت طغرل سلجوقی در طوس متولد شد. غزالی بعد از اینکه علوم مختلف همچون حدیث و فقه و عرفان را تحصیل کرد، هم زمان با وزارت خواجه نظام الملک به دربار سلطان ملک شاه سلجوقی راه پیدا کرد. بعد از مدتی به ریاست نظامیه بغداد رسید. از این کتاب نیز در بحث پیرامون وزارت در فصل دوم استفاده شده است.

#### ه) وزارت نامه ها

از متون دیگری که در این پژوهش از آنها استفاده شده متونی می باشند که درباره وزرا و شیوه رفتار آنها با حاکم و رعیت و نحوه عملکرد آنها نوشته شده است و از آنجایی که نامی بر این دسته از متون نهاده نشده، در این پژوهش نام «وزارت نامه ها» بر آن نهاده شده است. (البته لازم به ذکر است که شاید این اسم جامع نباشد و حتی شاید درست هم نباشد اما از آنجایی که نامی بر این دسته از متون نهاده نشده، این نام به قیاس از سیاست نامه ها انتخاب گردید.)

از آنجایی که این متون تقریباً از یک ساختار برخوردار هستند ویژگی های آنها با هم مورد بررسی قرار می گیرد. نویسندگان این کتب معمولاً در ابتدای کتاب خود فصلی را به ویژگی های وزرا اختصاص می دهند و بیان می کنند که وزرا باید از کدام ویژگی هایی برخوردار باشند تا بتوانند به وزارت برسند و در ادامه می گویند بعد از اینکه شخصی به وزارت رسید باید کدام اصول و قواعد را رعایت کنند و در یک چهارچوب خاص اقدام کنند، تا بتوانند سلطان و رعیت را با خود همراه داشته باشند. البته لازم به ذکر است که بیشتر تأکید این متون بر روابط سلطان/حاکم و وزیر است. پس با نام بردن از وزرا که معمولاً با «آصف برخیا» آغاز می شود، به نام بردن از وزرای دوران مختلف می پردازند. در مورد هر کدام توضیح مختصری نیز می دهند. ساختار این کتاب ها تا حدودی شبیه کتاب های سیاست نامه ها می باشد و حتی

---

۱ - غزالی طوسی، محمد، ۱۳۴۷، نصیحه الملوک، تصحیح و تعلیقات جلال الدین همایی، چ اول، تهران، انجمن آثار ملی

می‌توان گفت بخش قابل توجه ای از مطالب خود را از سیاست نامه‌ها گرفته‌اند، بخصوص مطالب مربوط به روابط سلطان و وزیر. علاوه بر این همچون سیاست نامه‌ها، برای توجیه خواننده نمونه‌های تاریخی بسیار را نقل می‌کنند. از جمله این کتاب‌ها کتاب «دستورالوزاره»<sup>۱</sup> اثر محمودبن محمدبن الحسین الاصفهانی می‌باشد. مولف کتاب همانطور که از نامش پیداست از اهالی اصفهان است که بعد از مدتی به فارس می‌رود و با تألیف این کتاب به نام وزیر عمیدالدین ابونصر اسعد ابرزی به دربار اتابکان زنگی راه پیدا می‌کند. از این کتاب در فصل دوم که پیرامون منصب وزارت و وظایفش در متون مختلف بحث شده، استفاده شده است. کتاب دیگر «نسائم الاسحار من لطائم الاخبار»<sup>۲</sup> نوشته ناصرالدین منشی کرمانی می‌باشد. کتاب در سال ۷۲۵ تألیف شده و از دیگر تألیفات همین نویسنده همچون سمط العلی للموقف الاعلی و دره الاخبار مشخص می‌شود که در دربار قراختائیان کرمان می‌زیسته و کتاب سمط العلی را نیز به نام ایسن قتلغ نویان که از امرای بزرگ اولجایتو و ابوسعید بوده تألیف کرده است. از این کتاب در فصل چهارم این رساله در بحث پیرامون وزرای سامانی استفاده شده است. کتاب دیگر «دستور الوزرا»<sup>۳</sup> تألیف غیاث الدین بن هماد الدین خواندمیر است. خواندمیر به واسطه کتاب تاریخ حبیب‌السیر در تاریخ ایران شناخته شده است. گویا نویسنده در هرات به سال ۸۸۰ تولد یافته و در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا تیموری راه پیدا کرده و بعد از آن مدت را نیز در دربار سلاطین گورکانی هند گذرانده است. کتاب دستورالوزرا شامل احوال وزرای اسلام تا زمان مولف است که آن را در سال ۹۱۴ به پایان برده است. از این منبع هم در فصل دوم که در مورد منصب وزارت بحث شده و هم در فصل چهارم که به وزرای سامانی پرداخته، استفاده شده است.

## (و) متون جغرافیایی

متون دیگر مورد استفاده در این پژوهش، منابع جغرافیای تاریخی می‌باشند. مهم ترین آنها برای این پژوهش عبارتند از کتاب «احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم»<sup>۴</sup> نوشته ابوعبدالله محمد بن احمد مقدسی که از جغرافیدانان برجسته دنیای اسلام می‌باشد. نام کامل نویسنده شمس‌الدین ابوعبدالله محمدبن احمدبن ابی بکر بنا شامی مقدسی بیاری است که کتاب را در سال ۳۷۵ تألیف کرده است. مقدسی ظاهراً در سال‌های ۳۳۱ تا ۳۳۴ هجری در فلسطین به دنیا آمد است. او نیز مانند سایر جغرافیدانان بسیار سفر کرده است. خود مقدسی در مورد تألیف کتاب گوید از آنجا که دانشمندان همیشه مایل به تصنیف بوده‌اند تا آثارشان از بین نرود من نیز از آنان پیروی کردم تا یاد من زنده

- 
- ۱ - الاصفهانی، محمود، ۱۳۶۴، دستورالوزاره، تصحیح و تعلیق رضا انزابی‌نژاد، چ اول، تهران، امیرکبیر
  - ۲ - کرمانی، ناصرالدین منشی، ۱۳۶۴، نسائم الاسحار من لطائم الاخبار، تصحیح و تعلیق میرجلال‌الدین حسینی آرموی، چ دوم، تهران، اطلاعات
  - ۳ - خواندمیر، غیاث‌الدین، ۱۳۵۶، دستورالوزرا، تصحیح سعید نفیسی، چ دوم، تهران، اقبال
  - ۴ - مقدسی، ابوعبدالله، ۱۳۸۵، احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم، ترجمه علینقی منزوی، چ دوم، تهران، کومش